کمیته ساماندهی بورسیه‌ها تشکیل شد

مهر: معاون آموزشی وزارت علوم از تشکیل کمیته ساماندهی بورسیه‌ها خبر داد و گفت که این کمیته به دستور وزیر علوم تشکیل شده است. مجتبی شریعتی نیاسر افزود: هر یک یا دو هفته، جلسه این کمیته برای بررسی موارد مذکور با حضور رییس دانشگاه‌های مربوطه برگزار می‌شود و راه‌حلی برای آن پیدا می‌کنیم. وی ادامه داد: یا رییس دانشگاه را متقاعد می‌کنیم که مورد بورسیه را بپذیرند یا اینکه تصمیم می‌گیریم، فرد را به دانشگاه دیگری معرفی می‌کنیم. شریعتی نیاسر درباره تعداد این بورسیه‌ها گفت: تعداد قابل توجهی از بورسیه‌ها را که با این مشکل مواجه بودند، در این کمیته ویژه بررسی کرده و برای آنها تصمیم‌گیری کرده‌ایم.

سلامت

گزارش «اعتماد» از نخستین مرکز اقامتی درمان مدل طبی زنان و مادران باردار معتاد

آرزوهای «آبی»

صبا طاهریان/اعتماد

بنفشه سام‌گیس

«آبی» لالایی بلد نیست. هشت ماهه باردار است و فعلا، فقط به اسم کودکی که تا یک ماه دیگر در آغوشش خواهد بود، فکر کرده است.

«شاید... ساحل»

آبی ۲۸ ساله، ۹ روز قبل با میل خودش به مرکز اقامتی درمان مدل طبی زنان و مادران باردار معتاد آمد و به عشق «ساحل» می‌خواهد یک زندگی پاک را شروع کند. زندگی‌ای که در آن اثری از پدر غیررسمی ساحل نباشد. از ۲۱ سالگی کشیدن شیشه و دوا را یاد گرفت و خانواده‌اش، ۸ ماه پیش و وقتی نتیجه آزمایش بارداری مثبت شد او را از خانه بیرون کردند. آبی، تا ۹ روز قبل، کارتن خواب بود.

«گفتند تو ننگ خانواده‌ای. پدرم، آخرین باری که به خانه تلفن کردم گفت مگر نگفته بودم تا وقتی زنده‌ای نبینمت؟... فقط دلم برای مادرم تنگ شده.»

نخستین مرکز اقامتی مدل طبی زنان و مادران باردار معتاد، هفته گذشته و در یک مراسم رسمی افتتاح شد اما سارا اسمی‌زاده؛ مدیر واحد زنان جمعیت خیریه تولد دوباره، می‌گوید که پذیرش مرکز از ۱۳ تیر ماه امسال شروع شده و تا امروز، ۲۶ زن، باردار یا غیر باردار، کارتن‌خواب یا خانه‌دار، تحصیلکرده یا کم‌سواد، معتاد به شیشه، هرویین، تریاک و حشیش در این مرکز پذیرش شده‌اند به امید روزهایی که آسمان بالای سرشان، هوای پیرامون‌شان، رنگ و طعم تلخ اعتیاد نداشته باشد. ویژگی مشترک این زنان، اعتیاد نیست. آنها در تنهایی، بی‌پناهی، آسیب‌پذیری و شکنندگی، همدرد و همزبانند. حتی زنی مانند شهرزاد؛ ۳۸ ساله، دانشجوی مهندسی کامپیوتر و رتبه دوم قبولی هرمزگان، با ۱۵ سال سابقه اعتیاد به تریاک و متادون و شیشه، با دو سال سابقه کارتن‌خوابی در پارک هرندی و یک قاچاقچی کلان از طایفه اشرار منطقه زاهدان که سال ۸۴ با ۹۶۰ کیلو تریاک و پنج کیلو مورفین و دو کلاشینکف دستگیر شد و با هشت سال حبس حکم اعدام گرفت و عفو شامل حالش شد و شوهرش حبس ابد گرفت هم، در دلتنگی دو کودک خردسالش که در خانه مردی پناه‌شان داده تا بچه‌ها راهی شبانه‌روزی‌های بهزیستی نشوند، اشک می‌ریزد.

این اسم‌ها باید محترم بماند

این مرکز تابلو ندارد. اسم هم ندارد. آنقدر هویت این زن‌ها در سال‌های اعتیادشان لگدمال شده که مسوولان مرکز، این حداقل احترام را به این زنان بخشیده‌اند که ساختمانی بی‌نام و نشان، تمام گذشته این زنان را در خود هضم و فراموش کند و هیچ کس از همسایه‌ها و کسبه محل نداند این ساختمان سه‌طبقه در یکی از خیابان‌های اصلی غرب تهران ماوای چه کسانی است و چرا. طبقه اول ساختمان با شش تخت و مدلی از اتاق «فیزیک»، مختص دوران کوتاه سم‌زدایی زنان است. اتاق پرستاری و معاینه هم در همین طبقه است. مسوول فنی مرکز، محمدصادق شیرازی که ۱۲ سال سابقه فعالیت در کاهش آسیب اعتیاد برای پرخطرترین‌های معتاد از نوع خیابانی و تزریقی و کارتن خواب دارد، هر روز صبح تا ظهر می‌آید برای معاینه زنان و تجویز و تغییر داروی جدید.

«ما اینجا با دو گروه بیمار مواجهیم. یک گروه باید بروند روی سم‌زدایی و یک گروه روی درمان نگهدارنده با متادون و بوپرونورفین. اغلب زن‌ها به بیماری‌های مقاربتی مبتلا هستند و در طول این مدت، آزمایش اچ‌آی وی چهار زن مثبت بود اما برای هپاتیت C امکان انجام آزمایش نداریم. اغلب شان الگوی چندمصرفی دارند و مصرف قرص‌های اعتیادآور هم در این زنان بالا بود.»

طبقه دوم، «خانه» زنان است. ۱۵ تخت دوطبقه، یک دست مبلمان، یک دستگاه تلویزیون، ۲۰ کمد فلزی و چند تابلو از تصاویر گل‌ها «خانه» را معنا می‌کند. اما ضمیمه «خانه» از تمام متعلقات این ساختمان مهم‌تر است. اتاقی در کنج سالن با دو تخت کودک و چند بازیچه. از ۱۳ تیر تا امروز، دو کودک کمتر از دو سال در مرکز پذیرش شده‌اند. کودکان که وقتی به مراکز درمانی منتقل شدند، تست اعتیادشان مثبت بود و علایم ترک مورفین هم داشتند.

«هیچ زنی به اجبار به این مرکز نمی‌آید و هیچ زنی هم به اجبار نمی‌ماند. حتی در میانه درمان می‌توانند بروند. زنان باردارمان، بیشتر از بقیه می‌خواهند بروند چون نگران رها شدن از طرف پدرهای غیرقانونی فرزندشان هستند؛ نگران امنیت و آینده‌شان.»

اینها را اسمی‌زاده می‌گوید. اینجا، برخلاف حرف‌هایی که در پاتوق‌ها می‌شنوم، هیچ زنی ادعا نمی‌کند که «شوهرم، زندان است، شوهرم به شهرستان رفته، شوهرم...، شوهرم...» اینجا، یا زن‌ها از شوهر رسمی و قانونی طلاق گرفته‌اند، مثل مریم و پریا، یا شوهر رفته به حبس ابد به خاطر قاچاق مواد مثل شهرزاد. غیر این، باقی، اسم شوهری در شناسنامه‌شان نیست و مرد، هویت غیررسمی در زندگی این زن‌ها دارد. به همین دلیل هم آنها که امروز مادر کودکان یک ساله و دو ساله‌اند مثل نرگس، بچه‌های‌شان شناسنامه ندارند؛ دردی که برای دل و جان این مادرها، حتی از درد سم‌زدایی و زایمان هم سهمگین‌تر است.

«وقتی در بیمارستان بهارلو زایمان کردم، مادرهای تخت‌های کناری به بچه‌ام پوشک و شیشه شیر دادند. بچه‌ام حتی لباس نداشت. با همین ملحفه‌های بیمارستان قنداقش کرده بودند. شوهرهای بقیه زن‌ها با دسته گل آمده بودند بیمارستان و همسرشان را نوازش می‌کردند. مال من حتی نیامد پول بیمارستان را بدهد که لااقل برای بچه‌ام کارت واکسن و گواهی ولادت صادر کنند. آشپزخانه شیشه داشت ولی من و دخترم مجبور شدیم از بیمارستان فرار کنیم تا پول بیمارستان از ما نگیرند. همیشه آرزو داشتم وقتی باردار شدم با شوهرم توی خیابان قدم بزنم. همه‌چیز برایم آرزو شد.»

شیرازی از عوارض متفاوت اعتیاد در زنان می‌گوید. از اینکه زن‌ها، به اجبار، برای اعتیادشان هم الگوسازی می‌کنند از مردی که نخستین بار آنها را با مواد آشنا کرد. از اینکه اعتیاد در زن، تا چه اندازه بر سیستم باروری او تاثیر می‌گذارد و باعث خشکی مخاط می‌شود و به همین دلیل، این زنان بیش از سایر همجنسان‌شان در معرض ابتلا به ایدز هستند. از اینکه شیشه، تمام زیبایی شان را به تاراج می‌برد و زخم‌های پوستی و سستی لثه‌ها چه زود به سراغ‌شان می‌آید. شهرزاد تعریف می‌کرد نخستین باری که شیشه کشید ۹ شبانه روز نخوابید. هیچ کدام از زن‌های این مرکز از من بزرگ‌تر نیستند اما اسباب صورت همه شان ویران است و جای خالی دندان‌ها، ردیف بالا، کامل، ردیف پایین، کامل، هر دو ردیف، کامل، مثل وجود چشم و بینی و دهان و ابرو به مختصات صورت‌شان اضافه شده است. بین همه این زن‌ها فقط پریا سرحال است. مدیر فروش یک شرکت معتبر که ۱۷ سال قبل، از شوهر تریاکی‌اش طلاق گرفت ولی دو سال قبل، دور از چشم مادر و دختر ۲۰ ساله‌اش، فندک زیر پایپ گرفت تا دود سفید شیشه را ببلعد.

«هیچ‌وقت خودم نخریدم. همکاری داشتم که برایم می‌خرید تا محبتم را جلب کند. می‌رفتم داخل ماشینش می‌نشستم و می‌کشیدم و پیاده می‌شدم و درِ ماشین را می‌کوبیدم به هم.»

پاکی یک سال و هشت ماهه پریا، ۵۸ روز قبل، کف دست یک کارتن خواب مدهوش روی چمن‌های پارک صادقیه، با یک «ربعی» شیشه معاوضه شد اما امروز، پریای ۴۳ ساله نه فقط بر پاکی دوباره مصمم شده، قصد کرده برای رشته مددیاری و آموزش نجات بیماران معتاد توسط بهبود یافتگان همتا ثبت‌نام کند. هدف‌های همه این زن‌ها به قد دورنمای پریا نیست. گرسنگی‌های دوران کارتن خوابی، تجاوزها و کتک‌ها و آزارها و تحقیرها، انگار روی تمام حس و نبوغ این زن‌ها یک خط «باطل شد» کشیده. مریم که ۱۰ روز قبل زایمان کرد و حتی اجازه ندادند بچه‌اش را ببیند چون یاسین نحیف معتاد، باید می‌رفت برای سم‌زدایی، فقط می‌خواهد از کتک‌های شوهر معتاد نجات پیدا کند. مهم نیست کجا برود و کجا بماند. فقط دیگر نمی‌خواهد از دست مردی که هم‌خرج شیشه و دوا و کراکش بوده در این ۱۰ سال اعتیاد، کتک بخورد. هیچ کدام از این زن‌ها، هیچ «چیزی» برای خودشان نمی‌خواستند. هیچ چیز. نرگس ۲۵ ساله که ۱۲ سال کراک و شیشه کشید، هفته قبل رفت دختر یک ساله‌اش را در شیرخوارگاه آمنه دید. دخترکی که به وقت «نسخی» مادر شیشه‌ای، از فرط گرسنگی، موهای سر مادر را چنگ می‌زد تا یادش بیندازد که غیر از شیشه، دنیای دیگری هم هست. شهرزاد، نهایت آرزویش پیدا کردن یک شغل است. شغلی که بتواند غل تحقیر را از پای خودش و دو کودکش باز کند. شغلی غیر از گدایی که شهرزاد در آن دو سال کارتن خوابی، به خوبی یاد گرفت تا تنها راه زنده ماندن خودش و دو کودکش باشد. اما شهرزاد یادش هم نرفت که کارتن‌خواب‌های پارک هرندی، آن آدم‌های بی‌بضاعت و فقیر که از تمام متاع دنیا، هیچ چیزی جز اعضای بدن‌شان نداشتند، چه سایه وسیعی از مهربانی بر سر او و دو کودکش پهن کردند... آبی هم با آن جثه نحیف و شکم برآمده و در آستانه مادر شدن، فقط یک آرزو داشت.

«هر کسی من را بخواهد خودش سراغم می‌آید. در این هشت ماه که هیچ کسی نیامد. باید بالاخره جلوی این همه تحقیر یک دیوار بکشم. بالاخره باید یک نفس تمیز داشته باشم. یک زندگی پاک. برای خودم، برای بچه‌ام. بعضی وقت‌ها، نبودن خیلی از آدم‌ها، بهتر از بودن‌شان است...»

هیچ اجباری وجود ندارد

«هیچ زنی به اجبار به این مرکز نمی‌آید و هیچ زنی هم به اجبار نمی‌ماند. حتی در میانه درمان می‌توانند بروند. زنان باردارمان، بیشتر از بقیه می‌خواهند بروند چون نگران رها شدن از طرف پدرهای غیرقانونی فرزندشان هستند؛ نگران امنیت و آینده‌شان.»

این مرکز تابلو ندارد. اسم هم ندارد. آنقدر هویت این زن‌ها در سال‌های اعتیادشان لگدمال شده که مسوولان مرکز، این حداقل احترام را به این زنان بخشیده‌اند که ساختمانی بی‌نام و نشان، تمام گذشته این زنان را در خود هضم و فراموش کند

شهری

عضو اصلاح‌طلب شورا مطرح کرد

پیشنهاد جلسه مشترک شورا و شهرداری برای پرونده املاک نجومی

روز گذشته جلسه شورای شهر همچون جلسات چند هفته اخیر تحت‌الشعاع موضوع پرونده املاک نجومی و واگذاری املاک به مدیران شهرداری، برخی از اعضا شورا و... بود و در جلسه رییس کمیسیون معماری و شهرسازی شورا محمد سالاری پیشنهاد داد تا جلسه مشترکی برای بررسی موضوع با حضور شهرداری برگزار شود؛ پیشنهادی که با واکنش مهدی چمران رو به‌رو شد و او گفت: «کاش قبل از جوسازی رسانه‌ای درخواست جلسه می‌شد.» محمد سالاری، عضو اصلاح‌طلب شورا گفت: «توضیحات لازم درباره واگذاری املاک را از سایت‌های مختلف می‌بینیم لذا درخواست می‌شود جلسه مشترکی با شهردار، معاونین شهردار و سازمان املاک و مستغلات شهرداری تهران داشته باشیم و به صورت فنی و کارشناسی این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.» او گفت: «مدیریت شهری در دولت مراحل قانونی را می‌گذراند و از هیات رییسه شورا درخواست می‌شود جلسه‌ای را با دولت برای بررسی این موضوع داشته باشیم و دغدغه‌های لازم را در این لایحه مطرح کنیم. دولت طی ماه‌های گذشته بسیاری از وظایف را به استانداران محول کرده است و این اقدام دولت در راستای چابک‌سازی بوده است. در شهرداری تهران نیز به جای تمرکزگرایی به شهرداران مناطق، سازمان‌ها و شرکت‌ها اختیارات بیشتری را ارایه دهید.» او در ادامه گفت: «باید در راستای احیای کمیسیون‌های مشترک شوراها که متشکل از اعضای شورای شهر، مجلس و دولت است اقدام شود که در این کمیسیون‌ها موضوعاتی همچون بافت‌های فرسوده مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین با توجه به تشکیل مجلس جدید کمیسیون‌های لازم تشکیل شود و جلسات بین نمایندگان مجلس در تهران و شورای شهر نیز برگزار شود.» این عضو شورای شهر همچنین از دو مرحله‌ای شدن صدور پروانه‌های ساخت در آینده نزدیک خبر داد. این صحبت‌های سالاری با واکنش چمران، رییس شورای شهر رو به رو شد و او خطاب به سالاری گفت کاش قبل از جوسازی رسانه‌ای درخواست جلسه برای بررسی پرونده املاک می‌شد. مهدی چمران همچنین درباره موضوعات دیگری هم توضیح داد و درباره واگذاری اختیارات دولت به استانداری‌ها که به تازگی صورت گرفته گفت: «امیدواریم دولت در خصوص شهرداری‌ها نیز همین نظر را داشته باشد چرا که ورود هرچه بیشتر وزارت کشور و سازمان شهرداری‌ها به ساختار شهرداری موجب دولتی‌تر شدن شهرداری‌ها خواهد شد. چمران همچنین با اشاره به اینکه با دکتر عارف دیدارهای حضوری داشته تا هرچه زودتر جلسه مشترکی با مجمع نمایندگان استان تهران مجلس برگزار شود، گفت: «امیدواریم بعد از تعطیلات مجلس یا قبل از آن اگر نمایندگان مرخصی نباشند، این جلسه مشترک را برگزار کنیم.» مرتضی طلایی، نایب‌رییس شورای اسلامی شهر تهران درباره حادثه شهران و حل نشدن مشکلات مردم هشدار داد و گفت: «هنوز افراد حادثه دیده در حادثه شهران تعیین تکلیف نهایی نشده‌اند و شهروندان تقاضا دارند نسبت به رفع مشکلات ساکنان محل اقدام شود و پس از رای دادگاه دستگاه‌های ذی‌ربط هماهنگی لازم را انجام دهند. مشکل دیگری که در این منطقه وجود دارد ترددهای کامیون‌های حمل سوخت به واسطه مخزن‌هایی است که در اینجا قرار دارد و بسیار خطرناک است. به نظر می‌رسد باید مساله مخازن سوخت را در غرب تهران و شهران مورد بررسی قرارداد و تدبیری انجام شود که با جابه‌جایی مخازن این مشکلات حل خواهد شد.» حجت‌الاسلام ناصحی، رییس کمیسیون فرهنگی به چالش اراضی عباس‌آباد پرداخت و گفت: «سال گذشته در پی دغدغه‌های اعضای محترم شورا و اعضای کمیسیون فرهنگی برای بهره‌برداری فرهنگی از اراضی عباس‌آباد طرحی مصوب و مقرر شد شهرداری تهران ظرف ۳ ماه طرح ویژه اراضی را مشتمل بر عمرانی و فرهنگی تهیه و ارایه کند و همچنین معارضین پیرامونی را نیز پیگیری حقوقی کند و در این مورد گزارشی را در صحن ارایه دهد. متاسفانه این مهم تاکنون صورت نگرفته و پروژه‌های خارج از مجوز و خارج از طرح مصوب همچنان در حال اجراست.» علاوه بر این‌ها در جلسه روز گذشته اقبال شاکری درباره تغییر کاربری ۳۴۷ هکتار از اراضی نمایشگاه بین‌المللی تهران صحبت کرد، او گفت: «با تلاش‌های پیگیر مدیریت شهری بخش زیادی از نمایشگاه بین‌المللی به فضای سبز عمومی تبدیل خواهد شد که امیدواریم این مهم موجب رونق نمایشگاه بین‌المللی شهر آفتاب شود.» او که مسوول کمیته عمران شورا نیز هست، در ادامه درباره حادثه ریزش ایستگاه مترو کیانشهر هم توضیحاتی داد و گفت: «سازمان حمل و نقل و ترافیک باید تمهیدات ویژه‌ای انجام دهد تا از رخ دادن چنین حوادثی در آینده جلوگیری شود. وی همچنین خواستار بررسی کارشناسی علت این حادثه شد و از معاونت حمل ونقل خواست تا گزارش آن را به شورا ارایه کند.» همچنین ابوالفضل قناعتی، عضو هیات رییسه شورا نیز پیشنهاد بررسی کارشناسانه این موضوع از طرف شورا را ارایه کرد که مهدی چمران، کمیته عمران شورای شهر تهران را موظف کرد تا با حساسیت بالا موضوع را بررسی و نتیجه آن را به شورا اعلام کند.

بهداشت

رییس اداره کنترل ایدز و بیماری‌های آمیزشی وزارت بهداشت خبر داد

خدمات وزارت بهداشت به زنان آسیب‌پذیر

ایسنا | پروین افسر کازرونی؛ رییس اداره کنترل ایدز و بیماری‌های آمیزشی وزارت بهداشت در توضیح اقدامات این وزارتخانه برای ارایه خدمات بهداشتی، درمانی به زنان آسیب پذیر گفت: ارایه خدمات بهداشتی، درمانی و آموزشی به این گروه از زنان درمراکزی تحت عنوان «مراکز ارتقای سلامت زنان آسیب‌پذیر» از سال ۱۳۸۶ آغاز شد. این خدمات شامل خدمات ارزیابی بیماری‌های آمیزشی و ایدز، خدمات بهداشت باروری، آموزش، مشاوره و توانمندسازی در حیطه‌های حرفه‌آموزی است و به صورت رایگان ارایه می‌شوند.

تلاش می‌کنیم اگر این افراد نیاز به خدمات خاصی مانند دندانپزشکی و تغذیه دارند، آنها را به مراکز بهداشتی درمانی مورد نظر ارجاع دهیم. کسانی که برای دریافت خدمت مراجعه می‌کنند، پرونده دارند و هر سه ماه یک بار تست اچ‌آی‌وی می‌دهند؛ چراکه جزو گروه‌هایی هستند که بیشتر در معرض ابتلا به HIV قرار دارند و باید زودتر شناسایی شده و تحت مراقبت و درمان قرار گیرند.

در حال حاضر در ۳۴ مرکز در ۲۲ دانشگاه علوم پزشکی این خدمات ارایه می‌شود که از سوی دانشگاه‌های علوم پزشکی یا موسسات غیر دولتی راه‌اندازی شده‌اند. بسیاری از افرادی که تحت پوشش این مراکز قرار می‌گیرند، بیمه ندارند و در تلاشیم از طریق هماهنگی‌های انجام شده توسط دانشگاه‌های علوم پزشکی، این افراد بیمه شوند، اما مشکل این است که بعضی از زنان معتاد و کارتن خواب، کارت شناسایی ندارند تا بتوان جهت بیمه اقدام کرد. مراجعه به مراکز بهداشتی درمانی مورد نظر برای این گروه سخت است. آنها نگران هستند که در صورت مراجعه، انگ خورده یا خدمات به آنها ارایه نشود و مشکلی برای‌شان پیش بیاید؛ به همین علت تلاش می‌شود از طریق افرادی که به این مراکز مراجعه و آموزش و مشاوره دریافت کرده به عنوان افراد همسان، افراد بیشتری را برای مراجعه تشویق کنیم. این خدمات هم در خود مراکز و هم توسط تیم‌های سیار ارایه می‌شود. این تیم‌ها بیشتر شامل افرادی از گروه هدف هستند و در این خصوص آموزش دیده و توانایی برقراری ارتباط با افراد همسان را دارند.

وی تعداد افراد مراجعه‌کننده به مراکز ارتقای سلامت زنان آسیب‌پذیر در یک سال گذشته را بیش از ۹۰۰۰ نفر اعلام کرد و گفت: «تمرکز این مراکز عمدتا در مناطقی که احتمال حضور این زنان بیشتر است از جمله در مناطق حاشیه‌نشین شهرهاست.»

دفاع مقدس

لیلا علی کرمی

وکیل دادگستری

اثر مین‌های زمینی بر زندگی زنان

جنگ ایران و عراق لقب یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم را از آن خود کرد. پس از گذشت هشت سال، جنگ به پایان رسید و صلح سایه‌اش را روی شهرها و روستاها انداخت و بازسازی کشور شروع شد. در طی دوران جنگ حدود بیست میلیون مین در دل خاک جاگرفت. با پایان جنگ گروه‌های پاکسازی وارد عمل شدند تا این قاتلین خاموش را برای همیشه به زباله‌دان تاریخ بسپارند. اما هنوز مین‌های زیادی باقی مانده‌اند و گویا با گذشت زمان آنها نیز در دل خاک ریشه دوانده‌اند. هنوز هم کودکان، زنان و مردان زیادی هستند که باید در زمان صلح تاوان جنگی را بدهند که سال‌های پیش به پایان رسیده است.

حدود سه سال پیش در یک حادثه انفجار مین گشین دختر ۱۱ ساله پایش را از دست داد و آلا که فقط هفت سال داشت روشنایی یک چشمش برای همیشه تاریک شد. این دو دختر همواره ذهن من را درگیر خود کرده‌اند و از خود می‌پرسم آینده آنها چه می‌شود؟ نقش فرهنگ، آداب و رسوم در زندگی این زنان که ساکن مناطق روستایی هستند بسیار پررنگ است. برخی اوقات حتی آموزش در روستاها و شهرهای مرزی با مشکل مواجه است. زنان اجازه حضور در کلاس‌های آموزشی را پیدا نمی‌کنند. به طور کلی دو حالت برای زنان قربانی مین متصور است. حالت اول زنانی که خود قربانی مستقیم این سلاح‌های مرگبار هستند. این زنان بر اثر برخورد با مین دچار معلولیت می‌شوند و معمولا اعضای حرکتی یا اعضای حیاتی این زنان مانند چشم آسیب می‌بینند. حالت دوم وضعیت زنانی است که فرزند یا همسر یا یکی از اعضای نزدیک خانواده آنها دچار حادثه می‌شود.

در حالت اول شاید بتوان ادعا کرد که مسیر زندگی زنان قربانی مین به طور چشمگیری عوض می‌شود. اگر این افراد زیر سن ازدواج باشند معمولا شانس تشکیل خانواده را از دست می‌دهند. به جرات می‌توان ادعا کرد که این اتفاق در مورد اکثر این دختران می‌افتد. زن بودن در یک جامعه عشایری و روستایی خصایص خاص خود را دارد. در این جوامع زنان به طور مستقیم در تامین معیشت خانواده نقش دارند. وقتی بر اثر حادثه این زنان اعضای حیاتی بدن خود مانند پا یا چشم را از دست می‌دهند، مسلما نه تنها قادر به کار کردن نیستند بلکه نیاز به دریافت حمایت و رسیدگی هم دارند. پس زمانی که یک عضو اثربخش جامعه کارایی خود را برای همیشه از دست می‌دهد، مسیر از پیش تعیین شده زندگی او نیز تغییر می‌کند و برای او سرنوشتی جز عزلت و انزوا نخواهد بود. و اما مشکل اساسی دیگر، به طور کلی نگاه جامعه به این دختران دارای معلولیت است. جامعه ایران فاقد فرهنگ معلولیت است و عدم برخورد انسانی با معلولان، و نبود امکانات ضروری حضور آنها در فضای عمومی را با مشکل مواجه می‌کند. این زنان اکثرا از جامعه منزوی شده و از زندگی اجتماعی طرد می‌شوند. برای آنها نشستن در کنج خانه به مراتب قابل تحمل‌تر از عذاب کشیدن زیر نگاه‌های سنگین جامعه است. در برخی موارد خانواده‌ها از حضور دختر معلول در خانواده‌شان شرم دارند و حتی حاضر به پیگیری پرونده او نیستند. در حادثه‌ای دخترک کوچک خانواده در هنگام چرای دام‌ها پایش را روی مین از دست داد به همراه او یک راس گاو نیز کشته شد. اما پدرش فقط پیگیر دریافت خسارت برای گاو کشته شده‌اش بود و حتی به فکرش هم نرسید که دخترک کوچک نیز حقی دارد. وضعیت زنان در حالت دوم به گونه‌ای دیگر دردناک است. وقتی مرد یک خانواده روستایی و عشایری در نقاط مرزی بر اثر نقص عضو ناشی از مین خانه‌نشین می‌شود، تمام مسوولیت‌های سنگین زندگی متوجه زن این خانواده خواهد شد. در این مناطق امرار معاش از طریق مشاغل خارج از حوزه کشاورزی و دامداری، مرسوم نیست. به همین دلیل زنانی که برای تامین معیشت به مشاغلی دیگر چون آرایشگری یا خیاطی روی می‌آورند، به‌شدت تحت فشار اجتماعی هستند. چرا که این قبیل شغل‌ها منطبق با هنجارهای آن جوامع نیست. برای مردان این خانواده نان‌آور بودن زن و به تبع سرپرست خانواده بودن وی باعث سرشکستگی است. به حدی که برخی مردان حتی از بیان این موضوع که همسر آنها سرپرست خانوار است در عذاب هستند و این امر خود سبب ایجاد خشونت‌هایی علیه این زنان است. با وجود اینکه زنان ایرانی با مشکلات اساسی ناشی از انفجار مین‌ها و سایر ادوات جنگی دست و پنجه نرم می‌کنند ولی هیچگاه نقش اساسی در اقدامات علیه مین نداشته‌اند. هنوز چهره پاکسازی در ایران مردانه است. حضور زنان فقط در آموزش خطر مین دیده می‌شود حال آنکه نیروی انسانی بالقوه‌ای در مناطق آلوده به مین نهفته است که می‌تواند نقش بسزایی در پاکسازی ایران از مین داشته باشد. بدون شک حضور پررنگ زنان در اقدامات علیه مین تعادلی در این شغل «مردانه» به وجود آورده و راه را برای پاک کردن ایران از مین هموار می‌کند.

سرخط خبرها

- **رییس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت: تاکنون ۳۱ هزار و ۹۵۰ بیمار مبتلا به ایدز در کشور شناسایی شده‌اند و آمار تقریبی مبتلایان ایدز در کشور حدود ۸۰ هزار نفر است.** ایرنا
- **رییس پژوهشکده باستان‌شناسی همزمان با کشف شواهدی از شروع کشاورزی در ۱۲ هزار سال قبل در دامنه‌های زاگرس از ایجاد موزه منطقه‌ای در کرمانشاه که نشان‌دهنده سیر تحول زیستی و فرهنگی غرب ایران باشد، خبر داد.** ایلنا
- **مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران: منتظر تصویب طرح «مدیریت جامع تالاب هامون» توسط شورای برنامه‌ریزی استانداری سیستان و بلوچستان هستیم.** ایسنا
- **مدیر کل حفاظت محیط زیست خراسان شمالی: طاعون ۴۰ راس از حیات وحش بجنورد را تلف کرد.** ایلنا

خبر

ثبت ۳۵ اثر کمال‌الملک در فهرست آثار ملی

اعتماد | ۳۵ تابلو رنگ روغن کمال‌الملک موجود در کاخ گلستان در فهرست آثار ملی منقول به ثبت رسید. مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی و میراث جهانی کاخ گلستان با اعلام این خبر گفت: تابلوهای یاد شده مربوط به فاصله زمانی ۱۲۴۰ تا ۱۳۳۰ هجری قمری با موضوعاتی همچون رویدادها، اشخاص، ساختمان‌ها، باغ‌ها، طبیعت و... است که محوطه و عمارت و حوض جوشان کاخ گلستان نیز در زمره آنهاست. مسعود نصرتی با اشاره به اینکه برخی از این آثار در نگارخانه مجموعه به نمایش درآمده است افزود: کمال‌الملک ۱۷۰ تابلو کشید که معروف‌ترین آنها تالار آینه است. این تابلو که نخستین تابلوی وی با امضای «کمال‌الملک» است از جمله نخستین آثار ملی منقول با شماره ۴۲ است که سال گذشته در این فهرست قرار گرفته است.

محدود کردن مجازات اعدام به قاچاق مسلحانه مواد مخدر

مهر | کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل ستاد حقوق بشر قوه قضاییه گفت: «محدود کردن مجازات اعدام به قاچاق مسلحانه مواد مخدر می‌تواند از منظر حقوقی بررسی شود. نباید عجولانه به این موضوع نگاه کرد و تصمیم گرفت. باید بررسی کرد که آیا مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر بازدارندگی لازم را داشته است یا خیر، و برداشتن مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر یا محدودکردن آن، چه تاثیری بر مبارزه با مواد مخدر خواهد گذاشت؟ در داخل کشور دو گروه موافق و مخالف این کار هستند. با این همه باید توجه کرد که وضعیت و شرایط ما با کشورهای غربی که از مجازات اعدام انتقاد می‌کنند، بسیار متفاوت است. عمده موادمخدر از ایران به سمت اروپا ترانزیت می‌شود و حدود ۹۳ درصد از اعدام‌ها در ایران نیز مربوط به موادمخدر است.»

معاون محیط زیست تهران:

پیگیر اجرای تعطیلی دو هفته‌ای مدارس برای آلودگی هوا در پاییز هستیم

فارس | محمد رستگاری، معاون محیط زیست استان تهران گفت: دولت برای کاهش آلودگی هوا مصوبه‌ای را در مورد مدیریت ساعات کار ادارات و مدارس دارد و در این راستا محیط زیست پیشنهاد تعطیلی دو هفته‌ای مدارس در پاییز را داده است و با جدیت پیگیر اجرای آن هستیم. دولت مصوبه‌ای را در سال جاری دارد که کارگروهی با مدیریت محیط زیست و عضویت برخی دستگاه‌ها بیایند و ساعات کار ادارات و ساعات مدارس را طوری تعریف کنند که ترافیک کمتر شود و آلودگی هوا هم به نسبت آن کاهش پیدا کند. وی ادامه داد: این جلسات در دست بررسی است اما هنوز تصویب نهایی نشده و در حد کارهای کارشناسی است، یک‌سری موافقت‌ها هم از سوی برخی دستگاه‌ها انجام شده است اما هنوز نهایی نشده و در حال پیگیری هستیم. به گفته رستگاری، در متن این مصوبه دولت آمده است که کارگروهی با مسوولیت سازمان محیط زیست ظرف سه ماه با همکاری وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، وزارت راه و شهرسازی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت فرهنگ اسلامی، علوم تحقیقات و فناوری و سازمان مدیریت برنامه‌ریزی و نیروی انتظامی نسبت به برنامه‌ریزی و ارایه بسته مدیریت تقاضای سفر از قبیل ساعات شروع و پایان کار دستگاه‌های دولتی و کاهش ایام و ساعات تعطیلی مدارس و ایام کاری آن دسته از ادارات که امکان پذیر است اقدام و نتیجه را اعلام کند. بر اساس این پیشنهاد، قرار بر تعطیلی دو هفته در ماه‌های پاییز است، این تصمیم فعلا در مورد مدارس گرفته شده است و کاهش ساعات کار ادارات و دستگاه‌های دولتی در مراحل بعدی در دستور کار قرار خواهند داشت.